



بررسی برنامه‌های وزیر پیشنهادی بهداشت
دولت سیزدهم در گفت و گو با کارشناسان

تحلیل گزینه برهداشتی دولت

چرا حرکت دومین نفتکش ایرانی به سوی
لبنان به نفع جبهه مقاومت است؟

کشتی‌های نجات



مرد آمریکایی که فکر می‌کرد بچه‌هایش
دی‌ان‌ای افعی دارند، آنها را کشت

قتل فرزندان به خاطر توهمنه توطنیه

تسلیت

رئیس رسانه ملی در پیامی درگذشت عالم و متفسر برجسته
محمد رضا حکیمی را تسلیت گفت.
به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، متن کامل پیام دکتر علی عسکری
به این شرح است:

انالیله و انا لیله راجعون

درگذشت عالم و متفسر برجسته، استاد محمد رضا حکیمی را تسلیت
می‌گوییم. ایشان عمر با برکت خود رادر خدمت اسلام و قرآن گذراند و
با آثارگرانهای خویش، تاثیری شگرف بر نسل های مختلف گذاشت.
نگاه متعالی، قلم گیرا، اندیشه ناب و دوری جستن از پیرایه های مادی
از استاد حکیمی چهره ای درخشان و ماندگار ساخته است که هیچ گاه
در یاده اکمنزگ نخواهد شد. از درگاه خداوند تعالی برای آن اندیشه مند
جهان اسلام علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسالت دارد.
علی عسکری، رئیس سازمان صداوسیما

خبر

**طالبان: اشغالگران، افغان‌هارابه مکان‌هایی
می‌برند که کمتر از زندان نیست**

ذبیح... مجاہد، سخنگوی طالبان طی سخنانی در تالار لویه جرگه افغانستان گفت: روی پای خود می ایستیم و به کسی ممکن نخواهیم بود، مردم افغانستان تنشه توسعه اقتصادی هستند. به گزارش فارس و اویزوفود: کسانی که افغانستان را ترک کرده اند، اگر برگردند، هیچ خطری تهدیدشان نمی کند. مجاہد ادامه داد: نگران خروج برخی افغان ها از کشور با گمک آمریکایی هاستیم؛ (اشغالگران) به آنها رحم نمی کنند و آنها را به مکان هایی می بزنند که کمتر از زندان نیست. این مقام ارشد طالبان گفت: خبری داریم که ۵۰۰۰ افغان که آمریکایی ها می شوند. وی خاطر نشان کرد: با هزار طبق مختلف به افغان هایی که قصد ترک افغانستان را دارند، گفته شده است که نیازی به ترس و وحشت و خروج از کشور وجود ندارد و با خیال راحت به خانه های خود بازگردند. سخنگوی طالبان تأکید کرد که علمای باب مسؤولیت خود را در این زمینه انجام دهند و مردم را از فرار از کشور و عواقب آن آگاه کنند. سخنگوی طالبان همچنین تأکید کرد که حکومت آینده شامل همه اقشار جامعه و مقاماتی خواهد بود که در دولت های قبلی مشارکت داشته اند.

زنگنه آفتاب

درگذشت جانسوز پدر گرامیتان را تسلیت عرض
برای آن مرحوم غفران واسعه الهی و برای شما و
ازماندگان صبر و شکیبای مستلت داریم.

سازمان آگهی‌های روزنامه جام جم

درنگ

افغانستان بعد از تسلط طالبان بهترین جغرافیا برای رشد و نمو دیدگاه‌های تندرور مثال داعش است. این یک اتفاق نیست یک برنامه است. اسرائیل و آمریکا سال‌ها زمان و میلیاردها دلار هزینه می‌کردند تا جغرافیای مقاومت علیه صهیونیسم را کنترل کنند. هیچ وقت هم توفیق کامل نداشتند. تغییر دیدگاه آنها در نوع مبارزه و کنترل، منجر به ظهور القاعده و داعش شد. یادمان نمی‌رود که همه اینها سابقه وجود به القاعده و طالبان در افغانستان می‌بزند.

القصد با وجود گروه‌های مثل داعش که به مرز سیاسی معتقد نیستند و نقطه تماس جنگ را مرز قلمداد می‌کنند، تمام توان جبهه‌ای که می‌توانست علیه اسرائیل باشد، مصروف رفع داعش شد. حالا بعد از جراحی این غدۀ سلطانی نگاه کنیم به جغرافیای مقاومت: سوریه، عراق و لبنان. این کشورها سال‌های سال از پیشرفت عقب ماندند. نتیجه این جنگ نیابتی که آمریکا مثل بازی‌های رایانه‌ای بیرون از معزکه نشسته بود و با هزینه‌های بسیار اندک کنترلش می‌کرد، این بود که جان و مال نیروهای ایرانی، عراقی، سوری و لبنانی درگیر گروهی بی‌سربزمین به نام داعش شد. در نبرد بوکمال وقتی بالگردگاه‌های آمریکایی باقیمانده سران و نیروهای داعش را از عرض رو دخانه فرات فرازی می‌دادند، برایم مثل روز روشن بود که شاخه‌های این درخت سرتاسر زیان، در جغرافیایی دیگر قلمه خواهد خورد. حالا اگر درگیری با داعش در عراق و سوریه مزاحمت‌هایی برای اسرائیل داشت، این بار ظهور نیروهای تندرور در افغانستان دیگر این مزاحمت را هم خواهد داشت. حال زمینه ظهور و انتقال باقیمانده نیروهای داعش و مانند داعش باعث نگرانی روسیه خواهد شد و چین و البته ایران. آمریکا ظاهرا صحنۀ را ترک کرد. هزینه‌هایش را به حداقل رساند. حالا فقط با دمیدن در اختلافات قومی و ریشه‌دار و پخش کردن سلاح در افغانستان، این بار غرب ایران را نامن می‌کند و ما باید توان این نامنی را بدینیم. هزینه‌ترانشی آمریکا در جغرافیای مقاومت و تشبیح، این بار در جغرافیای تمدن فارسی و زیر پرچم طالبان شکل خواهد گرفت، هرجند سخنگویانی به روز شده این جماعت بگویند با همسایگان کاری ندارند. آیا بوی فتنه آمریکایی به مشام نمی‌رسد که دارد سرزمین و جغرافیای جدید و پیچیده‌های برای تفکر داعشی فراهم می‌کند؟

نمایندگی ایران
تلفن های
نیز
۴۹۱۰۵۰۰
۲۳۰۰۴۰۳۹

چشم‌انداز

اهل مشهدیم هر دو، اما استاد را معمولاً در تهران و در نمایشگاه بین‌المللی کتاب زیارت می‌کردم. دیدار کوتاه بود اما تلاش می‌کدم هیچ سالی این فرصت از دست نزد و برکت خصوص در محضر ایشان را از دست ندهم. برای من علامه محمد رضا حکیمی نمود عینی و تجسم اجرای عدالت بودند. در اندیشه‌های استاد حکیمی یک محور اساسی وجود داشت آن‌هم عدالت بود. در تمام این سال‌ها از زمانی که تألیف «الحیات» شروع کردند تا لحظه‌ای که به جهان دیگر کوچیدند، برای ایشان مساله عدالت اهمیت ویژه‌ای داشت و ایشان به مسوولیت سان‌ها در قبال یکدیگر، حکومت در قبال جامعه و جامعه در قبال حکومت توجه به خصوصی داشتند. علاوه بر الحیات در کتاب‌های دیگری مانند کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه‌سازی رأی، قصد و عدم وقوع، نان و کتاب و منهای فرقی را به عبارتی در ایشان هم بدل شده بود، چراکه به آنچه می‌گفتند عمل می‌کردند این طور نبود که حلولت ایشان با جلوت ایشان متفاوت باشد. لالوه بر آنچه از ایشان شنیده بودم و در دیدارهای حضوری دیده بدم، در دو کتاب «راه خورشیدی» از محمد اسفندیاری و کتاب «پیلیسوف عدالت» نوشته کریم فیضی که سیره ایشان را منعکس زده‌اند، به نقل‌های معتبر و تصاویری از زندگی شخصی ایشان مستی‌فایافتمن که همواره برایم بسیار شگفت‌انگیز و آموزندگی بود بر جاییت شخصیت ایشان می‌افزود. زمانی که برعی کسان درس دین خوانده بودند به دنبال نعیم دنیوی بودند و زندگی ساده و بدون تجمل را تاب نمی‌آوردند، استاد حکیمی سال‌ها با ک پیراهن مندرس ظاهر می‌شدند، همان پیراهنی که در بسیار عکس‌ها هم به تن دارند و همواره ساده‌پوش و ساده‌زیست بودند. ایشان به حداقل‌ها از زندگی این دنیا بسندۀ کرده بودند. ن وارستگی و قلعه هر تعلق خاطر به جهان گذرا واقعاً برای ما بسیار بسطه برانگیز و درس آموز بود؛ درسی بسیار دشوار که به سختی شود آن را به عمل درآورد.

سل امور شاید کمتر استاد حکیمی را بشناسد یا تصویر کند برای رک و شناخت این علامه دوران باید مطالعه‌ای سخت و جدی شسته باشد اما می‌توان با کتاب‌های ساده‌تری از ایشان این شناخت درک را آغاز کرد. اگر کسی قرار باشد امروز علامه را بهتر و بیشتر

بته کتاب اصلی ایشان الحیات است اما شاید نسل امروز در بودش نبیند با این کتاب سراغ اندیشه‌های علامه حکیمی برود. جامعه‌سازی قرآنی و بعد «مرام جاودانه» و نیز کتاب «قصد و دم و قوع» آثاری هستند که برای شروع مناسبند، زیرا هسته مرکزی اندیشه ایشان در این آثار نمایان است و در ضمن کتاب‌های منگنی نیستند که از ابتدای کار مخاطب گرفتار دشواری اندیشه‌های ایشان شود.

یادداشت

<p>لـ» روح بـی قرار حکیم عدالت، علامه محمد رضا حاکیمی قدسـا... نفسـه در ایام سوگی سید و سالار شهیدان به ملکوت اعلی پیوست. خداوند راشا کرم که توفیق تشرف و درگ محضر او را را هرچند محدود به چند جلسه نصیبیم کرد.</p> <p>دهه ۸۰ شمسی بود و ماحله‌های از نوجوانان و جوانان مشتاق معارف شیعی، به برگت نهج البلاغه مولا پروانه وار حول شمع وجود معلمی دلسوز و خطیبی خود ساخته از خطه شمیران، جناب استاد حاج مهدی قاسمی - در مسجد همت تجربیش گردآمد بودیم. استادگاه و بیگانه در لابه لای شرخ طبه ها نامه های امیر کلام، از «الحیات» پرایمان می گفت و غرش های مردانه شاعر توحید و عدالت علیه ظلم و فقمادی و معنوی بشریت را در گوشمان زمزمه می کرد. روزی استاد مژده داد که جمعه آینده علامه رادیدار خواهیم کرد.</p> <p>تابستان بود و به واسطه برخی دوستان حاضر در جمع، به اردواگاهی در مناطق بیلاقی اطراف تهران دعوت شدیم. انتظار به سرآمد و پیرسپیده ممی ما ب ابرونی برآمد و محاسنی ابرگون در لباسی ساده و مندرس امابه غایت تمیز و معطر، عصازان به محفل مقadem گذاشت. صاحب نفس بود و هر بیان گرچه کمی برابر و خوبه به نظر می رسد. نفسش که آرام گرفت شمرده شمرده با تلهجه شیرین خراسانی لب به سخن گشود. شاه بیت کلامش همان بود که عمر بر سر آن گذاشت: اصول و فروع دین همه به جای خود محفوظ، اما رکن و اساس اسلام دو چیز است و هر جامعه ای به هر میزانی که این دو خاصه را داشته باشد، به همان اندازه اسلامی است و هر قدر نداشته باشد از اسلام به دور است: توحید و عدالت. حکیمی نماد عینی اقامه توحید در جوامع را بیانی (نماز) و تجسم اقامه قسط و عدل در جامعه را (فقدان فقر) می دانست.</p> <p>لابه لای حرف هایش، در یافتیم چرا در بدو ورود برابر و خوبه است وقتی در طول راه از جاده های بیچ در پیچ داخل اردواگاه ناظره گرتاسیسات آن مجموعه بوده. ازین که بنیادی حاکمیتی، در کوهستان با صرف هزینه های عظیم اردواگاه ساخته برآشته و دل آرزو شده و فقط وقتی کمی آرام گرفته که مسوولان پروژه اذعان کرده اند چندی پیش یک مقام عالی رتبه نظام نیز در جریان بازدید از این مجموعه نسبت به هزینه کرد. بیت المآل برای احداث جاده و اردواگاه در کوه که خرج مضاعف دارد، اعتراض کرده و تذکر جدی داده اند. علامه جلسات بعدی را به مسجد همت تشریف آوردند. به جز مباحثی که خود ایشان ارائه می کردند و غالبا حول محور عدالت و اندیشه «تفکیک» بود، مجالی نیز برای پرسش و پاسخ می دادند که اجمالا پاسخ ایشان به دوسوال خود را در خاطر دارم.</p> <p>آن روزها دولت اصلاحات بر سرکار بود و برخی روشنکاران و مسوولان فرهنگی وقت، با شعار پورالیزم، از حقانیت قرائت های مختلف از دین دمی زندن. پرسیدم آیا این موضع درست است؟ ایشان بالبخندسر به نفی تکان دادند و گفتند صراط مستقیم یکی است و آن راه اهل بیت است و نباید به نام برداشت های مختلف، بشرارسر درگم کرد.</p> <p>در جلسه دیگری ذکر و باد مرحوم دکتر علی شریعتی به میان آمد. علاقه علامه به بار دیرین با گذشت چند دهه فراق پایدار بود. نشان به آن نشان که پس از پایان جلسه، در پاگرد مسجد همت با وجود پادرد سپیا تکیه به عصا داد و ایستاد و با حسرتی آمیخته به دلتگی گفت شریعتی اشتباهاتی داشت که برخی هم کوچک نبود. اما در دین داشت، شریعت سوز دین داشت که اگر جز این بود، همراهی اش نمی کردیم: پرسیدم چرا به وصیت دکتر برای پیرایش و پایا ایش آثارش عمل نشد. توضیح دادند او ایل انقلاب در جلسه ای با حضور شهیدان بهشتی و باهنر و دیگران در برای اصلاح آثار در کتر جمیع بنده کردیم و من کارا</p>	 <p>عبدالله... گلبا</p> <p>عضو شورای سدیبری</p>
--	--

در اطراف دانشگاه در حال فروش است و بازار پر رونقی دارد. نامید شدم و کار را فرو گذاشت.
یک بار هم فرمودند می خواستم شرح رویگار فته از عمرم را بنویسم، نه به شیوه خاطره نویسی های
معمول. سیکی شبیه کمدی الهی دانته در ذهن شان بود. اما سنگینی پر و زده حیات و ضعف و خستگی
جسمانی ظاهر اماعن شده بود.
زمینت در گوشه دنبای غم خود تنها
و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا^۱
* نام یکی از آثار علامه حکیمی